

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



تحلیل فقہی - حقوقی مفہوم مخالف

مؤلفان:

دکتر قادر شنیور - دکتر علی اصغر دل زنده روی

مدرسین دانشگاه وکلای پایہ یک دادگستری

انتشارات چتر دانش

- سرشناسه: شنیور، قادر، ۱۳۶۲ -
- عنوان و نام پدیدآور: تحلیل فقهی - حقوقی مفهوم مخالف/ مولفان قادر شنیور، علی اصغر دل زنده روی.
- مشخصات نشر: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری: ۲۴۳ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۴۴-۶
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- یادداشت: کتابنامه.
- موضوع: مفهوم مخالف (اصول فقه) (Argument a contrario Islamic law)*
- مفهوم مخالف (حقوق) (Argument a contrario Law)*
- شناسه افزوده: دل زنده روی، علی اصغر، ۱۳۶۵ -
- رده بندی کنگره: BP۱۶۳/۲
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱
- شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۷۷۹۹۵
- اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

- نام کتاب : تحلیل فقهی - حقوقی مفهوم مخالف
- ناشر : چتر دانش
- مؤلفان : قادر شنیور، علی اصغر دل زنده روی
- نویت و سال چاپ : اول - ۱۴۰۰
- شمارگان : ۵۰۰
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۴۴-۶
- قیمت : ۶۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمییری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

این اثر را تقدیم می‌کنیم به استاد بزرگوارمان جناب آقای دکتر سید محمد صادق
موسوی که مبانی علم اصول فقه و کاربرد آن در علم حقوق را در محضر ایشان
آموختیم.

کوته نوشت

هجری قمری	هـ ق
هجری شمسی	هـ ش
میلاادی	م
بدون تاریخ	بی تا
بدون نوبت چاپ	بی چا
بدون مکان چاپ	بی جا
بدون ناشر	بی نا
رجوع کنید	ر.ک
صفحه	ص
صفحات	صص
العدد	ع
جلد	ج
چاپ	چ
قانون مدنی	ق.م
قانون تجارت	ق.ت
قانون کار	ق.ک
قانون آیین دادرسی مدنی	ق.آ.د.م
قانون آیین دادرسی کیفری	ق.آ.د.ک
page	P
pages	PP
Aforementioned	Ibid

مقدمه	۱۴
فصل اول - معرفی مفهوم مخالف	۱۷
مبحث اول: موضوع شناسی مفهوم مخالف	۱۹
گفتار اول: شناسایی مفهوم مخالف	۱۹
بند اول: معنای مفهوم مخالف	۱۹
۱- معنای لغوی	۲۰
۲- معنای اصطلاحی	۲۰
بند دوم: مفهوم مخالف در فقه و آیات قرآنی	۲۲
۱- مفهوم مخالف در فقه	۲۲
۱- ۱- مفهوم مخالف از منظر فقه عامه	۲۲
۲- ۱- مفهوم مخالف از منظر فقه امامیه	۲۳
۲- مفهوم مخالف در قرآن کریم	۲۵
بند سوم: اقسام مفهوم مخالف	۲۶
۱- مفهوم شرط	۲۸
۲- مفهوم وصف	۳۰
۳- مفهوم غایت	۳۲
۴- مفهوم حصر	۳۳
۵- مفهوم عدد	۳۴
۶- مفهوم لقب	۳۵
۷- مفهوم حال	۳۵
۸- مفهوم مکان	۳۶
۹- اسم مشتق	۳۶
۱۰- مفهوم زمان	۳۷
۱۱- مفهوم مفعول له	۳۷

- ۱۲- مفهوم متعلق فعل ۳۸
- ۱۳- مفهوم اضافه ۳۸
- ۱۴- مفهوم تقسیم ۳۸
- بند چهارم: تمییز مفهوم مخالف ۳۸
- ۱- تمایز اقسام مفهوم مخالف از یکدیگر ۳۹
- الف- تفکیک مفهوم غایت و مفهوم شرط: ۳۹
- ب- تفکیک مفهوم وصف و مفهوم لقب: ۳۹
- ج- تمایز مفهوم علت از مفهوم وصف: ۳۹
- ۲- تمییز مفهوم مخالف از عناوین مشابه ۴۰
- ۲-۱- تمییز مفهوم مخالف از منطوق ۴۰
- ۲-۲- تمییز مفهوم مخالف از مفهوم موافق ۴۲
- مبحث دوم: ماهیت مفهوم مخالف ۴۵**
- گفتار اول: سرچشمه، ویژگی، قلمرو و شرایط مفهوم مخالف ۴۵
- بند اول: سرچشمه مفهوم مخالف ۴۵
- ۱- فطرت ۴۵
- ۲- مصلحت اجتماعی ۴۶
- ۳- عدالت ۴۶
- بند دوم: ویژگی‌های مفهوم مخالف ۴۷
- ۱- مفهوم مخالف کاشف از اراده شارع است ۴۷
- ۲- فرض خلاف مفهوم مخالف بعضاً قابل اثبات است ۴۸
- ۳- مفهوم مخالف مبتنی بر تفسیر لفظی واژگان است ۴۸
- ۴- وابستگی مفهوم مخالف به منطوق ۵۰
- ۵- تفاوت علت در منطوق و مفهوم مخالف ۵۲
- بند سوم: قلمرو مفهوم مخالف ۵۲

- ۱- عبادات ۵۳
- ۲- معاملات ۵۳
- بند چهارم: شرایط به کارگیری مفهوم مخالف ۵۴
- ۱- مراد شارع روشن و بین باشد ۵۴
- ۲- وجود قیدی در جمله ۵۵
- ۳- رابطه قید و حکم ۵۵
- گفتار دوم: رابطه مفهوم مخالف با اصول و قواعد فقهی، نسخ و تخصیص ۵۶
- بند اول: رابطه مفهوم مخالف با برخی قواعد فقهی ۵۶
- ۱- رابطه مفهوم مخالف با «قاعده سکوت در مقام بیان» ۵۶
- ۲- رابطه مفهوم مخالف با قاعده «نفی شیء؛ نفی ماعدا نمی کند» ۵۷
- ۳- رابطه مفهوم مخالف با قاعده «مقدمه واجب، واجب است» ۵۹
- ۴- رابطه مفهوم مخالف با قاعده «ملازمه حکم عقل و شرع» ۶۰
- ۵- رابطه مفهوم مخالف با قاعده «ملازمه اذن در شیء» ۶۰
- بند دوم: رابطه میان مفهوم مخالف و اصول حقوقی ۶۱
- ۱- اصل عدم ۶۱
- ۲- اصل برائت ۶۲
- ۳- اصل صحت ۶۳
- ۴- اصل اباحه ۶۴
- بند سوم: تأثیر مفهوم مخالف در نسخ و تخصیص ۶۴
- ۱- تأثیر مفهوم مخالف در نسخ ۶۴
- ۲- تأثیر مفهوم مخالف در تخصیص ۶۵
- ۱- ۲- نظر فقهای اسلامی ۶۵
- ۱- ۱- ۲- فقه امامیه ۶۵
- ۲- ۱- ۲- فقه عامه ۶۷

۶۸..... ۲-۲- حقوق ایران

فصل دوم- تحلیل فقهی مفهوم مخالف ۷۱

مبحث اول: بررسی حجیت مفهوم مخالف در فقه عامه ۷۵

گفتار اول: دیدگاه‌های مختلف پیرامون حجیت مفهوم مخالف ۷۷

بند اول: نظریه عدم حجیت مفهوم مخالف ۷۸

بند دوم: نظریه حجیت مفهوم مخالف ۷۹

گفتار دوم: بررسی حجیت اقسام مفاهیم مخالف ۸۲

بند اول: مفهوم شرط ۸۲

بند دوم: مفهوم وصف ۸۶

بند سوم: مفهوم حصر ۸۹

بند چهارم: غایت ۸۹

بند پنجم: مفهوم لقب ۹۰

بند ششم: مفهوم عدد ۹۱

مبحث دوم: بررسی حجیت مفهوم مخالف در فقه شیعه ۹۳

گفتار اول: مشروعیت مفهوم مخالف در فقه زیدیه ۹۳

بند اول: ادله حجیت مفهوم مخالف در فقه زیدیه ۹۳

بند دوم: شرایط حجیت مفهوم مخالف در فقه زیدیه ۹۵

گفتار دوم: مشروعیت مفهوم مخالف در فقه امامیه ۹۸

بند اول: مفهوم شرط ۹۹

بند دوم: مفهوم وصف ۱۰۰

بند سوم: مفهوم حصر ۱۰۳

بند چهارم: مفهوم غایت ۱۰۴

بند پنجم: مفهوم لقب ۱۰۷

بند ششم: مفهوم عدد ۱۰۸

- ۱۱۰ مبحث سوم: مقایسه
- ۱۱۰ گفتار سوم: وجوه اختلاف و وجوه تشابه
- ۱۱۲ گفتار چهارم: مزایا و معایب
- ۱۱۴ گفتار پنجم: تحلیل و ارزیابی

فصل سوم - مفهوم مخالف و تفسیر قوانین.....۱۲۵

- ۱۲۹ مبحث اول: مکاتب تفسیر حقوقی و مفهوم مخالف
- ۱۳۰ گفتار اول: مکتب شکل‌گرائی
- ۱۳۱ بند اول: شناسایی مکتب شکل‌گرائی
- ۱۳۲ بند دوم: آثار تحلیل مفهوم مخالف در پرتو مکتب شکل‌گرائی
- ۱۳۳ بند سوم: بررسی امکان تحلیل مفهوم مخالف در پرتو شکل‌گرائی
- ۱۳۸ گفتار دوم: مکتب اثبات‌گرائی و مفهوم مخالف
- ۱۳۸ بند اول: شناسایی مکتب اثبات‌گرائی
- ۱۳۹ بند دوم: آثار تحلیل مفهوم مخالف در پرتو مکتب اثبات‌گرائی
- ۱۳۹ بند سوم: بررسی امکان تحلیل مفهوم مخالف در پرتو مکتب اثبات‌گرائی
- ۱۴۳ گفتار سوم: مکتب پراگماتیسم و مفهوم مخالف
- ۱۴۳ بند اول: مکتب کارکردگرا یا پراگماتیسم
- ۱۴۵ بند دوم: آثار تحلیل مفهوم مخالف در پرتو مکتب پراگماتیسم
- ۱۴۵ بند سوم: بررسی امکان تحلیل مفهوم مخالف در پرتو پراگماتیسم
- ۱۴۸ گفتار چهارم: مکتب واقع‌گرائی و مفهوم مخالف
- ۱۴۸ بند اول: مکتب واقع‌گرائی
- ۱۴۹ بند دوم: آثار تحلیل مفهوم مخالف در پرتو مکتب واقع‌گرائی
- ۱۴۹ بند سوم: بررسی امکان تحلیل مفهوم مخالف در پرتو واقع‌گرائی
- ۱۵۲ مبحث دوم: مفهوم مخالف و تفسیر قوانین در حقوق خارجی
- ۱۵۲ گفتار اول: شناسایی مفهوم مخالف در حقوق خارجی

- بند اول- جایگاه مفهوم مخالف در حقوق خارجی ۱۵۲
- بند دوم- شیوه تحلیل بر مبنای مفهوم مخالف ۱۵۳
- بند سوم- تمیز مفهوم مخالف از قیاس در حقوق خارجی ۱۵۶
- بند چهارم- تاریخچه مفهوم مخالف در حقوق خارجی ۱۵۹
- بند پنجم - کاربرد مفهوم مخالف در حقوق خارجی ۱۶۱
- بند ششم- فوائد مفهوم مخالف در حقوق خارجی ۱۶۵
- ۱- پر کردن خلأ فقدان قانون ۱۶۶
- ۲- برطرف نمودن ابهامات قانونی ۱۶۶
- ۳- تعارض قوانین ۱۶۷
- گفتار دوم: ضوابط و آثار مفهوم مخالف در حقوق خارجی ۱۶۷
- بند اول- ضوابط استناد به مفهوم مخالف ۱۶۸
- ۱- عدم وجود دلایل ۱۶۸
- ۲- تضاد نداشتن معنا با قواعد حقوقی ۱۶۸
- ۳- بررسی غایت قانونگذار ۱۷۰
- بند دوم: آثار مفهوم مخالف ۱۷۲
- ۱- عدم ترتب برخی آثار حقوقی ۱۷۲
- ۲- استنباط مفاهیم و اصول حقوقی ۱۷۴

فصل چهارم- مفهوم مخالف در حقوق ایران ۱۷۹

- مبحث اول: نقش مفهوم مخالف در تفسیر قوانین در حقوق ایران ۱۸۱
- گفتار اول: حجیت، مبانی و شرایط تفسیر قوانین بر اساس مفهوم مخالف ۱۸۱
- بند اول: حجیت تفسیر قوانین بر اساس مفهوم مخالف ۱۸۲
- ۱- مفهوم شرط ۱۸۵
- ۲- مفهوم وصف ۱۸۷
- ۳- مفهوم غایت ۱۸۹

- ۴- مفهوم حصر..... ۱۹۳
- ۵- مفهوم لقب..... ۱۹۴
- ۶- مفهوم عدد..... ۱۹۴
- بند دوم: مبنای تفسیر قوانین بر اساس مفهوم مخالف..... ۱۹۶
- ۱- لزوم مراجعه به منابع معتبر فقهی در تفسیر قانون..... ۱۹۶
- ۲- ارجحیت قانون بر سایر منابع..... ۱۹۸
- ۳- عرف..... ۱۹۹
- بند سوم: شرایط تفسیر قوانین بر مبنای مفهوم مخالف..... ۱۹۹
- ۱- مفهوم اخذ شده بر خلاف مواد قانونی و اصول حقوقی نباشد..... ۲۰۰
- ۲- قانونگذار کلیه شروط، اوصاف و قیود را ذکر کرده باشد..... ۲۰۱
- ۳- میان قید مندرج در قانون و حکم رابطه علت و معلولی باشد..... ۲۰۲
- ۴- از کلام مقنن نتوان مفهوم موافق گرفت..... ۲۰۳
- ۵- مفهوم مخالف با مراد قانونگذار در تعارض نباشد..... ۲۰۵
- گفتار دوم: بررسی امکان تفسیر قوانین بر اساس مفهوم مخالف..... ۲۰۸
- بند اول: قوانین داخلی..... ۲۰۹
- ۱- قوانین مدنی..... ۲۱۱
- الف- قوانین حاکم بر قواعد حل تعارض..... ۲۱۱
- ب- قوانین حاکم بر احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه..... ۲۱۲
- ۲- قوانین کیفری..... ۲۱۳
- ۱- قانون ماهوی کیفری..... ۲۱۳
- ۲- قانون شکلی کیفری..... ۲۱۵
- بند دوم: قوانین خارجی و عهدنامه‌های بین‌المللی..... ۲۱۶
- ۱- قوانین خارجی..... ۲۱۶
- ۲- عهدنامه‌های بین‌المللی (کنوانسیون‌ها)..... ۲۱۷

مبحث دوم: تعارض مفهوم مخالف با دیگر مفاهیم، منابع حقوقی و فقهی.. ۲۱۸

گفتار اول: تعارض تفسیر برخواسته از مفهوم با منابع حقوقی..... ۲۱۸

بند اول: تعارض مفهوم مخالف با قانون..... ۲۱۸

بند دوم: تعارض مفهوم مخالف با عرف..... ۲۲۰

بند سوم: تعارض مفهوم مخالف با رویه قضایی..... ۲۲۱

بند چهارم: تعارض مفهوم مخالف با دکترین..... ۲۲۱

گفتار دوم: تعارض تفسیر برخواسته از مفهوم مخالف با منابع فقهی (ادله استنباط

احکام) ۲۲۲

بند اول: تعارض مفهوم مخالف با کتاب..... ۲۲۲

بند دوم: تعارض مفهوم مخالف با سنت..... ۲۲۳

بند سوم: تعارض مفهوم مخالف با اجماع..... ۲۲۴

بند چهارم: تعارض مفهوم مخالف با عقل..... ۲۲۴

گفتار سوم: تعارض تفسیر برخواسته از مفهوم مخالف با عدالت، انصاف، اخلاق، روح

قانون و اصول حقوقی..... ۲۲۵

بند اول: تعارض مفهوم مخالف با عدالت..... ۲۲۵

بند دوم: تعارض مفهوم مخالف با انصاف..... ۲۲۶

بند سوم: تعارض مفهوم مخالف با اخلاق..... ۲۲۷

بند چهارم: تعارض مفهوم مخالف با روح قانون..... ۲۲۹

بند پنجم: تعارض مفهوم مخالف با اصول حقوقی..... ۲۳۱

منابع و مأخذ..... ۲۳۳

یا نفر با به سرایم
غرضم وصل تو باشد
کریانی دهمت جان
من که بایست بمیرم

یا نفر با به سر، آیم
چه تو آیی، چه من آیم
ور نیایی کشدم غم
چه نیایی، چه نیایی

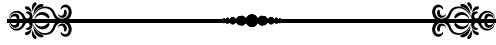
کشتول طبسی

مقدمه

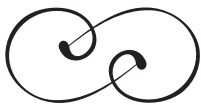
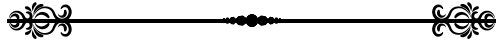
در جوامع مدنی تنظیم روابط اشخاص از طریق وضع قوانین و مقررات صورت می‌پذیرد. بایدها و نبایدهایی که بخش‌هایی از زندگی جوامع بشری هستند؛ تکالیف و حقوقی را بر اشخاص مترتب می‌سازند. نخست قوانین وضع می‌شود؛ سپس اجرا می‌گردد و در نهایت بر اجرای آن‌ها نظارت صورت می‌پذیرد. صرف وضع قوانین موجب حل مشکلات نمی‌شود. اجرای آن‌ها مرحله دقیق‌تری است که اگر درست صورت پذیرد؛ نظارت بر اجرا را راحت‌تر خواهد کرد. فهم و استنباط قوانین، مقدمه‌ای بر اجرا است. در این میان، ابزارهایی در اصول فقه (همانند مفهوم مخالف) می‌توانند نقش مهمی را ایفا نمایند؛ به گونه‌ای که قواعد و مقررات حقوقی را خلق، مواردی را محصور و ممنوع، مراد قانون‌گذار را مشخص و معین و تفسیری را مغایر با ظاهر مواد قانونی ارائه دهند و... . جامعه از ابزارهای مزبور بی‌نیاز نیست؛ نمی‌توان از قانون‌گذار انتظار داشت در هر موردی اقدام به وضع قاعده نماید و مقررات جدید وضع کند. او باید مجموعه ضوابط و مقررات عامی را به عنوان «اصل» یا «قاعده» برای موارد مسکوت‌عنه در نظر بگیرد. خلق موارد مزبور صرفاً از طریق «معنای ظاهری و مستقیم مواد قانونی» امکان‌پذیر نیست،

بلکه معنای غیرمستقیم هم می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. با وجود این؛ باید پذیرفت که هر معنای غیرمستقیمی نمی‌تواند حجت باشد. لذا کاوشی نو در مفاهیم اصولی، واکاوی و کنکاش آن‌ها (به‌ویژه مفهوم مخالف) اجتناب‌ناپذیر است. در تحلیل مفاهیم مزبور، صرفاً نمی‌توان شریعت اسلامی را مورد لحاظ قرار داد، بلکه باید از دستاوردهای حقوق خارجی نیز استفاده کرد. در حقوق ایران قواعد فقهی و اصولی جزء لاینفک نظم حقوقی را تشکیل می‌دهند. قوانین نه تنها باید منطبق با موازین اسلامی باشند؛ بلکه تفسیر برخواسته از آن‌ها نیز می‌بایست از طریق ابزارهای شرعی (همچون مفهوم مخالف) صورت پذیرد. امید است که این نوشتار مورد قبول جامعه حقوق کشور (اعم از وکلا، قضات، سردفتران و...) قرار بگیرد و در رفع و حل بیش از پیش مسائل حقوقی مؤثر باشد.

والله مستعان
دکتر قادر شنور - دکتر علی اصغر دل زنده روی



فصل اول - معرفی مفهوم مخالف



از دیرباز تا به امروز، بشر از روش‌های مختلفی برای بیان مقاصد خویش استفاده نموده است. ایما، اشاره، زبان اندام و ... بخش‌هایی از این ابزارها بوده است. الفاظ، عبارات، واژگان و کلمات - علی‌رغم تنوع و گوناگونی - مقصودی جز تفهیم و تفاهم ندارند و نقش پل ارتباطی را در میان آحاد افراد جامعه ایفاء می‌کنند و رشد صنعت، پیدایش تکنولوژی و خلق ابزارهای نوین نتوانسته خدش‌های در تحقق رسالت مزبور ایجاد کند.

هر علمی، ادبیات، زبان و لسان خاص خود را دارد. فقها از الفاظ و اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که در علوم دیگر به کار نمی‌رود. هدف فقه هدایت بشر به مقاصد والا و اطاعت پروردگار است. در حوزه ادبیات، شاعران با به کارگیری استعاره‌ها و کنایه‌ها مقاصد خویش را به شیوای ظریف - اما به شکل غیرمستقیم - بیان می‌کنند. انسان‌ها در زندگی روزمره به دنبال استفاده از کدهای ویژه ارتباطی و رمزگشایی از آن‌ها نیستند. آن‌ها قصد به کارگیری بهترین و ساده‌ترین روش را برای ارتباط دارند. شاید به همین دلیل باشد که علاوه بر توجه به معنای ظاهری کلام، به مفهوم غیرمستقیم آن نیز توجه می‌کنند و آن را هم معتبر می‌دارند. فقها از آن تحت عنوان «مفهوم مخالف» یاد می‌کنند. بی‌گمان، شناسایی جایگاه مفهوم مخالف، مقدم بر تحلیل مبنای فقهی و آثار آن است. تا هنگامی که این مفهوم از لحاظ ماهیتی شناخته نشود، امکان تبیین نقش آن در تفسیر حقوقی وجود ندارد. مفهوم مزبور از لحاظ علمی واجد معنا، شرایط، ارکان و ویژگی‌هایی است که تحلیل آنها لازم و ضروری است. لذا این فصل را به این مباحث اختصاص دادیم و درصدد تحلیل آن‌ها به وسع فهم هستیم.

تبیین جایگاه مفهوم مخالف و شناسایی ماهیت آن، پرسش‌هایی را به ذهن متبادر می‌سازد: آیا مفهوم مخالف می‌تواند منطوق کلام را نسخ کند یا آن را تخصیص بزند؟ از لحاظ اصولی، مفهوم مخالف از چه شرایطی برخوردار است؟ قلمرو مفهوم مخالف چیست؟ مفهوم در چه مواردی به کار می‌رود؟ و...

این فصل تحت عنوان «کلیات» مشتمل بر دو مبحث است: در مبحث اول، موضوع شناسی مفهوم مخالف را بررسی و در مبحث دوم، ماهیت آن را تحلیل می‌نماییم.

مبحث اول: موضوع شناسی مفهوم مخالف

کاوش در ماهیت مفهوم مخالف، و شناسایی آن از منظر فقهی و تبیین مؤلفه‌های ساختاری آن، نقشی قاطع در بررسی جایگاه آن دارد. در این خصوص، صرفاً به واژه‌شناسی و معناشناسی آن اکتفا نمی‌کنیم، بلکه علاوه بر معناشناسی اصطلاحی، به بررسی اقسام و انواع آن نیز می‌پردازیم.

گفتار اول: شناسایی مفهوم مخالف

شناسایی مفهوم مخالف از اهمیت زیادی برخوردار است. تا هنگامی که امری مورد شناسایی قرار نگیرد؛ تبیین مبنا، آثار و احکام آن امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر، شناسایی مفهوم مخالف دروازه ورودی و مقدمه تحلیل فقهی-حقوقی آن است. لذا، این گفتار را به این قسمت اختصاص دادیم و در پرتو مباحث موجود، به بررسی مفهوم لغوی، مفهوم اصطلاحی، جایگاه فقهی و قرآنی آن می‌پردازیم.

بند اول: معنای مفهوم مخالف

مفهوم مخالف می‌بایست از لحاظ معنای لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار بگیرد. این بند مشتمل بر دو بخش است: در قسمت اول، معنای لغوی آن را تحلیل و در قسمت دوم معنای اصطلاحی را تبیین می‌نماییم.

۱- معنای لغوی

مفهوم مخالف از لحاظ ادبی، ترکیبی از مضاف و مضاف‌الیه است. معنای لغوی دو عبارت «مفهوم» و «مخالف» عبارتند از:

مفهوم بر وزن مفعول و معنای لغوی آن عبارت است از: «آگاهی و دانش نسبت به امری».^۱ در لسان العرب در خصوص «فهم» گفته شده: فهم به معنای «آگاه شدن» از چیزی به واسطه قلب و «علم» و «آگاهی» آن از طریق عقل است.^۲

فهم به معنای آمادگی ذهن برای استنباط است. معنای لغوی مفهوم، همان چیزی است که عرفاً از آن فهمیده می‌شود: «استنباطات شخصی مفسر یا خواننده متن از کلام متکلم، شارح یا قانون‌گذار».

مخالفت نیز به معنای «عدم توافق» و «عدم سازگاری» است.^۳

در نتیجه مفهوم لغوی مفهوم مخالف عبارت است از: استنباط معکوس، درک متضاد و آگاهی واژگوانه.

۲- معنای اصطلاحی

مفهوم مخالف دارای معنای اصطلاحی ذیل است:

هر آنچه که لفظ (خارج از منطوق) بر آن دلالت داشته باشد؛^۴ همچنین در تعریف مفهوم مخالف مقرر شده است: «چنانچه در مواد مسئله مسکوت عنه، حکمی نفیاً یا اثباتاً مخالف حکم منطوق باشد، به آن دلیل خطاب گفته می‌شود چون از جنس خطاب است و خطاب بر آن دلالت می‌کند».^۵

۱- الفیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ هـ. ق) القاموس المحيط، ج ۴، مکتب تحقیق التراث فی مؤسسة الرسالة، بیروت (لبنان)، ص ۱۶۲.

۲- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم رویفعی افریقی (۱۴۱۸ هـ. ق)، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲، دار الاحیاء التراث العربی، ص ۳۴۳.

۳- انیس ابراهیم و عبدالحلیم المنتصر، عطیه الصوالحی و محمد خلف الاحمد (بی‌تا)، المعجم الوسیط، ج ۱، دارالفکر، ص ۲۵۱.

۴- ابی بکر، ابی عمرو عثمان بن عمر (معروف به ابن حاجب) (بی‌تا)، مختصر منتهی السؤل و الأمل فی علمی الأصول و الجدل، ج ۲، ص ۱۷۱.

۵- وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامی، (۱۴۱۹ هـ. ق)، الموسوعه الفقهیة، کویت، ج ۲۸، ص ۲۸۲.

برای مفهوم مخالف، معانی متعدد بیان شده است: ۱- برخی از آن تحت عنوان «لحن خطاب» یاد کرده‌اند. چرا که میان مفهوم موافق و دلالت اقتضاء مشترک است (اشتراک عرفی)؛^۱ ۲- تخصیص چیزی از طریق کلام و ذکر. این عنوان بیشتر در میان علمای مذهب حنفی به کار می‌رود.^۲

برخی معتقدند هر جمله‌ای می‌تواند دو معنا داشته باشد: معنای ایجابی که به آن مفهوم گفته می‌شود. مثلاً گفته می‌شود: «اگر با من دوست شوی؛ تو را اکرام می‌کنم». در این جمله بین «اکرام یک شخص» و «دوست داشتن وی»، رابطه وجود دارد، به گونه‌ای که دوست داشتن منتهی به اکرام می‌شود. همین جمله ممکن است معنای سلبی نیز داشته باشد بدین صورت که «اگر من را اکرام نکنی؛ با تو دوست نخواهم شد».^۳

مراد از مفهوم مخالف، تضاد و عدم موافقت با حکم منطوق نیست، بلکه در مواردی که منطوق نسبت به امری ساکت است و مسئله‌ای را بیان نمی‌کند. حکم مفهوم نفیاً و اثباتاً مخالف با حکم منطوق است. همانند آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره که مقرر می‌دارد: «هر کدام از شما ماه رمضان را دریابد؛ باید آن را روزه بدارد».^۴ مفهوم مخالف آن بدین صورت است که «خارج از ماه رمضان» مکلفان الزامی به روزه داشتن ندارند.

مداقه در شیوه به کارگیری مفهوم مخالف حاکی از این امر است که در استعمال آن دو عامل مورد توجه قرارداد می‌گیرد: اول- منطق شکلی یا فرمول

۱- الشنقيطي، عبد الله بن إبراهيم، (بی‌تا)، نشر البنود علی مراقی السعود، مطبعة فضالة بالمغرب، ص ۷۹.

۲- سعد الدين بن مسعود بن عمر، الفتاوى (۱۴۰۶هـ ق)، التلويح علی التوضيح، ج ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، صص ۲۲۶-۲۲۷.

۳- سید مرتضی (۱۴۲۱هـ ق)، اصول الفقه، ترجمه سید علی هاشمی، دارالکتب الاسلامی، ص ۳۰.

۴- در آیه مزبور آمده است: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ترجمه: ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده برای هدایت بشر و برای راهنمایی و امتیاز حق از باطل، پس هر که دریابد ماه رمضان را باید آن را روزه بدارد، و هر که ناخوش یا در سفر باشد (به شماره آنچه روزه خورده است) از ماههای دیگر روزه دارد، که خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته، و خواسته تا اینکه عدد روزه را تکمیل کرده و خدا را به عظمت یاد کنید که شما را هدایت فرمود، باشد که (از این نعمت بزرگ) سپاسگزار شوید.

معکوس نمودن لفظ؛ دوم- منطق عقلانی یا ملاحظه مفهوم معکوس مواد قانونی یا قضایای فقهی با معیارهای عقلی. هیچ یک از این دو عامل را نمی‌توان بدون دیگری در نظر گرفت. مفهوم مخالف، بدون در نظر گرفتن مولفه‌های مزبور معتبر نخواهد بود. بنابراین، تحلیل مسائل یا مواد قانونی بدون منفی‌سازی یا معکوس نمودن معنای کلمات و واژگان، از مصادیق مفهوم مخالف خارج است. همچنین مفهوم برگرفته از معنای وارانه، در صورت عدم تأیید معیارهای عقلانی و ضوابط شرعی معتبر نخواهد بود. لازم به ذکر است که امکان اخذ مفهوم مخالف از آیات قرآنی، روایات، مواد قانونی و سایر نصوص شرعی وجود دارد.

بند دوم: مفهوم مخالف در فقه و آیات قرآنی

بی‌گمان، تبیین جایگاه فقهی - قرآنی مفهوم مخالف، نقشی مهم در شناسایی آن دارد. لذا این بند را به این قسمت اختصاص دادیم: در بند اول، به تبیین معنای فقهی مفهوم مخالف می‌پردازیم و در بند دوم، جایگاه آن را در آیات قرآنی بررسی می‌کنیم.

۱- مفهوم مخالف در فقه

مفهوم مخالف در فقه اسلامی دارای سابقه و پیشینه‌ای طولانی است. بنابراین، این قسمت، مشتمل بر دو بخش است. در بخش اول، مفهوم مخالف در فقه عامه و در بخش دوم، مفهوم مخالف در فقه امامیه تحلیل می‌شود.

۱-۱- مفهوم مخالف از منظر فقه عامه

ابن همام (از فقهای مذهب حنفی) در تعریف مفهوم مخالف مقرر می‌دارد: «دلالت الفاظ به گونه‌ای که مخالف حکم منطوق باشد»^۱. الزرشکی نیز مقرر می‌دارد: «اثبات نفی حکم منطوق در مواد مسکوت»^۲.

مداقه در آراء و اندیشه‌های فقهای مذهب حنفی دلالت بر این دارد که آنچه در تعریف منطوق مورد لحاظ قرار گرفته؛ ظاهر کلام است. مفهوم مخالف از

۱- ابن همام حنفی، شمس الدین محمد بن محمد بن محمد، (۱۴۰۳ هـ.ق)، التقرير والتحبير، دار الکتب العلمیة، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲- الزرشکی، محمد بن بهادر بن عبدالله (۱۹۸۸ م)، البحر المحيط فی الاصول الفقه، ج ۴، دار الکتبی، ج اول، ص ۱۳.

منظر حکم اثباتاً یا نفیاً بر خلاف حکم منطوق است.

در مجموع می‌توان گفت در فقه عامه مفهوم مخالف این‌گونه تعریف شده است: «حکم منطوق به قیدی از قیود (مثلاً وصف) مقید شده باشد به گونه‌ای که با انتفاء آن وصف نقیض حادث گردد». برای روشن شدن این مطلب، به ذکر مثال‌هایی می‌پردازیم:

مثال اول: در روایتی چنین ذکر شده است، چنانچه شخصی ثروتمند و توانمند اقدام به پرداخت دینش نکند؛ این امر ظلم محسوب می‌شود.^۱ منطوق این روایت، دلالت بر این می‌کند که استنکاف مدیون متمکن از پرداخت دین ستم و گناه است. مفهوم مخالف آن، این‌گونه خواهد بود: چنانچه شخصی عاجز باشد به نحوی که توانایی پرداخت را نداشته باشد و دینش را پرداخت نکند؛ ظلم محسوب نمی‌شود.

مثال دوم: بر طبق آیه بیست و پنجم سوره مبارکه نساء^۲ شخصی که توانایی مالی ندارد؛ می‌تواند اقدام به ازدواج با دختران با ایمان برده نماید. مفهوم مخالف آن بدین صورت خواهد بود که چنانچه شخصی توانایی مالی نداشته باشد؛ حق ندارد با دختران برده کافر غیرکتابی ازدواج کند؛ هر چند توانایی ازدواج با دختران آزاد را نداشته باشد. در واقع، در آیه مذکور عبارت «دختران برده با ایمان» قید وصف است که جواز نکاح با آن‌ها داده شده است. با انتفاء وصف مذکور، حکم نیز منتفی می‌شود.

۱-۲- مفهوم مخالف از منظر فقه امامیه

مفهوم مخالف در فقه شیعه امامیه دارای همان معنای مذکور در فقه اهل سنت می‌باشد. در فقه شیعه، مفهوم می‌تواند به صورت ایجابی یا سلبی موافق

۱- البخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا)، المختصر الصحیح الامام البخاری، ج ۲، المکتبه المعرفه للنشر و التوزیع، الرياض، ص ۹۵.

۲- در آیه مذکور آمده است: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُخْضِرْنَ فَإِنْ أَتَيْتُمْ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تُصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

حکم منطوق باشد؛ در این صورت، مفهوم موافق می‌باشد اما اگر مفهوم در تضاد حکم منطوق باشد، در این صورت، مفهوم مخالف می‌باشد. نمونه‌ای از مفهوم موافق را می‌توان در آیه نهم سوره مبارکه جمعه دید. بر طبق منطوق آیه، «ترک داد و ستد در روز جمعه به هنگام شنیدن صدای اذان»^۱ تأکید شده است. به طریق اولی، ترک «لهو و لعب» واجب خواهد بود.^۲

یکی از نویسندگان معتقد است: در فقه امامیه، مفهوم، مدلول التزامی کلام است. این نوع مفهوم، بر انتفاء طبیعی حکم منطوق با انتفاء قیود مأخوذ در مدلول مطابقی دلالت دارد. چنین امری به دلیل رابطه طبیعی میان قیود مذکور و حکم مندرج در کلام متکلم است.^۳

تقریباً اصولین امامیه تعریف واحد و مشابهی را از مفهوم مخالف یا «دلیل خطاب» ارائه می‌دهند: «انتفاء سنخ حکم موجود در قضیه با انتفاء موضوع آن». باید توجه داشت نمی‌توان مفهوم مخالف را صنعت یا آرایه ادبی تلقی نمود که صرفاً معنایی برای زیبایی جمله است. مفهوم مزبور در تحلیل حقوقی به کار می‌رود و واجد معنایی خاص و ویژه است و چنانچه دارای شرایط حجیت باشد؛ معقول و معتبر خواهد بود.

در فقه امامیه در خصوص حجیت خبر واحد، به مفهوم مخالف آیه نباء استناد می‌کنند. به گونه‌ای که معتقدند برای حجیت و اعتبار خبر، لازم نیست (آن خبر) متواتر باشد چرا که بر طبق مفهوم مخالف آیه فوق الذکر «چنانچه آورنده خبر شخص فاسقی نبود؛ نیاز به بررسی و کاوش نیست». در آیه مزبور، میان وصف «فسق» و «عدم حصول علم و آگاهی» رابطه علیت وجود دارد. ذکر ادوات شرط در آیه مزبور دلالت بر این امر دارد که مورد از موارد قضایای شرطیه است. در

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که برای نماز در روز جمعه ندا داده شد؛ پس به سوی یاد خدا (اقامه نماز جمعه) بشتابید و داد و ستد را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید.

۲- السبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۷هـ.ق)، تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۱، مؤسسه المنار، ص ۱۰۷.

۳- الیعدانی، محمود (۱۴۳۵هـ.ق)، من حلقات علم الاصول للشهید الصدر، ج اول، مرکز بین المللی ترجمه و نشر مصطفی، قم، ص ۴۲۴.

این صورت، با انتفاء آن، شرط منتفی و با وجوب آن، شرط حاصل می‌شود.^۱

۲- مفهوم مخالف در قرآن کریم

مراد از مفهوم مخالف در قرآن کریم؛ سوره، آیه یا مطلبی تحت این عنوان نیست. بلکه منظور آیاتی است که از مفهوم مخالف آن‌ها، آثاری مترتب می‌شود. به عبارت دیگر، آیاتی که فقها با اتکاء به آن‌ها احکامی را استخراج نموده‌اند. ذیلاً به تبیین آن‌ها می‌پردازیم:

نمونه‌ای از استناد به مفهوم وصف را می‌توان در آیه «تباء»^۲ مشاهده نمود. بر طبق آیه مزبور، چنانچه شخصی فاسق خبری را برای شما آورد؛ به بررسی آن پردازید. مفهوم مخالف آن بدین صورت خواهد بود: چنانچه شخصی غیر فاسق برای شما خبری آورد؛ به بررسی آن نپردازید. علت حکم در این آیه را می‌توان «فسق» دانست چرا که میان «حکم فسق» و «بررسی نمودن» تناسب وجود دارد. لازم به ذکر است می‌بایست میان فسق و آوردن خبر «اقتران زمانی» وجود داشته باشد: یعنی زمانی که آورنده خبر به بیان آن پرداخته فاسق بوده است. همچنین آیه مزبور نگفته «اگر شخصی برای شما خبری آورد» بلکه گفته «اگر شخصی فاسق برای شما خبری آورد؛ بررسی کنید». آن اقتران زمانی و این تناسب دلالت تأثیری و نقش قید وصف در حکم دارد.^۳

بر صفت در جمله وصفیه می‌بایست آثاری مترتب باشد. در غیر این صورت، شارع مقدس آن را ذکر نمی‌نمود. تخصیص حکم نیز می‌بایست واجد معنا باشد؛ انجام امر لغو و بیهوده از سوی شارع ممتنع است. باید پذیرفت تا زمانی که دلیلی مخالف با قید صفت وجود نداشته باشد؛ صفت حجت خواهد بود. از طرفی از حیث زبانی و دستوری می‌بایست میان امر مطلق و مقید، واجد وصف و غیر

۱- طهرانی، عباس (۱۴۴۱هـ.ق)، رسائل فی الاصول و الفقه، ج اول، بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، قم، صص ۹۱-۹۰.

۲- در آیه ششم سوره مبارکه حجرات می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ».

۳- محمدی بامیانی، غلامعلی (۱۹۹۷م)، دروس فی الرسائل، دارالمصطفی لاهیه التراث، ج ۲، قم، ص ۹.

موصوف قائل به تفکیک شد و آثار مختلفی را بر آن‌ها مترتب نمود. در قرآن کریم مصادیق فراوانی در خصوص شرط وجود دارد: نمونه‌ای از آن را می‌توان در آیه ششم سوره مبارکه طلاق مشاهده نمود. بر طبق آیه مزبور،^۱ (جمله شرطیه) «چنانچه حامله بودند» (جزای شرط) «اقدام به پرداخت نفقه نمایند». در صورت انقضاء شرط؛ نیازی به تحقق نتیجه نیست همانند طلاق بائن. لازم به ذکر است در آیات مختلف قرآنی، واژگان حصر مشاهده می‌شود: در زبان عربی واژگانی از قبیل «تَمَّا»، «ایاک»، «الا» و ... دلالت بر حصر دارد. مذاقه در آراء اصولیین عامه، دلالت بر این دارد که همه آن‌ها قائل به حجیت و اعتبار برای مفهوم حصر هستند.

تضاد و مخالفت در آیات متعدد قرآن کریم ذکر شده است: نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آیه ۸۸ سوره مبارکه هود^۲ و آیه ۶۳ سوره مبارکه نور^۳ مشاهده نمود. امکان اخذ مفهوم مخالف از آیات مزبور وجود دارد.

بند سوم: اقسام مفهوم مخالف

اصولیین اسلامی اقسام و انواع متعددی را برای مفهوم مخالف تبیین کرده‌اند. پیرامون تعداد آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد و فقها دیدگاه‌های متعددی را بیان کرده‌اند که ذیلاً به تبیین برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱- وَإِنْ كُنْ أَوْلَاتٍ خُمِلَ فَانْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ.

۲- قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أَرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ترجمه: گفت ای قوم من ببندیشید اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد آیا باز هم از پرستش او دست بردارم؟ من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم او خود مرتکب آن شوم! من قصدی جز اصلاح [اجامه] تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست. بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمی‌گردم.

۳- لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدَعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلْئُونَ مِنْكُمْ لِيُؤَادُوا فُلَيْحِدِرَ الدِّينِ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. ترجمه: (ای مؤمنان) شما دعای رسول (ص) و ندا کردن او را مانند ندای بین یکدیگر (بدون حفظ ادب مقام رسالت) قرار مدهید (یا دعای او را مانند دعای خود نامستجاب مپندارید). خدا به حال آنان که (برای سرپیچی از حکمش) به یکدیگر پناه برده و از میان شما رخ پنهان می‌دارند آگاه است. پس باید کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند و از آن روی می‌گردانند بترسند که مبادا به فتنه‌ای بزرگ (تسلط سلطان جور) یا عذاب دردناک دیگر (مانند قتل و اسارت) گرفتار شوند.

الف- برخی از فقها صرفاً چهار مفهوم را در نظر گرفته‌اند: مفهوم وصف، شرط عنایت و عدد.^۱

ب- برخی دیگر از علمای عامه هشت نوع مفهوم را در نظر گرفته‌اند: لقب، اسم مشتق بر جنس، صفت، شرط، غایت، حصر بالنفی، مفهوم صفت منتقل یافته و مفهوم حصر با آنما.^۲

ج- برخی دیگر فقط شش نوع را به رسمیت شمرده‌اند: لقب، عدل، تخصیص اوصاف، امتداد حکم به غایت یا تعلیق شرط، ذکر نمودن اسم عام در کنار ذکر اسم خاص و استدلال آنها.^۳

اختلاف اصولین را می‌توان در این مسئله دانست که برخی از آن‌ها اساساً نوع خاصی از مفاهیم را حجت نمی‌دانند یا پاره‌ای از فقها قائل به عدم استقلال نوع خاصی از آن‌ها هستند به‌گونه‌ای که آن‌ها را تحت شمول مفاهیمی خاص تعریف می‌کنند.

در فقه عامه در خصوص میزان اعتبار مفاهیم مخالف اختلاف نظر وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران و فقها قائل به حجیت اقسامی و عدم حجیت اقسام دیگر هستند؛ هرچند در خصوص حجیت و اعتبار مفهوم وصف تردیدهایی وجود دارد، اما برخی معتقدند مفهوم شرط، مفهومی است که هیچ فقیهی در حجیت آن تردید نکرده است چرا که اعتبار آن به مراتب بیشتر از مفهوم وصف است. با وجود این، مفهوم غایت از مفهوم شرط هم قوی‌تر است.^۴

معتبرترین تقسیم بندی از مفاهیم مخالف، انقسام آن‌ها به موارد شش‌گانه شرط، عدد، لقب، وصف، حصر و غایت است. ذیلاً علاوه بر تبیین آن‌ها- به منظور آشنایی هر چه بیشتر- موارد دیگری را ذکر و تعریف می‌نماییم.

۱- ابی بکر، ابی عمرو عثمان بن عمر (معروف به ابن حاجب) پیشین، ج ۲، ص ۱۷۳.

۲- محمد بن محمد غزالی (۱۹۹۳م)، المستصفی فی الاصول، دارالکتب العلمیه، ج ۲، بیروت، ص ۲۰۹.

۳- المقدسی، عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة (۱۴۱۹هـ.ق)، روضة الناظر و جنة المناظر، ج ۲، مؤسسة الريان، ص ۷۹۰.

۴- الایچی، عبدالرحمن بن احمد (۱۴۲۱هـ.ق)، شرح العبد علی المختصر المنتهی الاصولی، ج اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ص ۲۶۱.

۱- مفهوم شرط

از لحاظ دستوری «مفهوم شرط» مرکب از دو قسمت مفهوم و شرط است. مفهوم، مضاف و شرط مضاف الیه است.

مراد از مفهوم شرط، مشروط شدن حکم به شرطی از شروط است، به گونه‌ای که با وجود آن، حکم موجود باشد و با عدم آن حکم منتفی باشد. چنانچه خداوند تبارک و تعالی در آیه ۴ سوره مبارکه نساء^۱ می‌فرماید: «مهریه زن را با رضایت و طیب خاطر به آن‌ها بپردازید». منطوق آیه مذکور این است که هر گونه پرداختی از مهر زوجه منوط و مشروط به «رضایت وی» است. مفهوم مخالف آن بدین گونه است که «اخذ هر گونه مالی تحت عنوان مهر زوجه، چنانچه مشروط به رضایت وی نباشد؛ معتبر نخواهد بود». در واقع؛ این آیه بر حرمت اخذ مهر زوجه بدون رضایت وی دلالت می‌کند. هر چند چنین امری صراحتاً بیان نشده است، اما می‌توان آن را از مفهوم مخالف آن استنباط نمود.

با توجه به موارد مذکور می‌توان مفهوم شرط را این گونه تعریف نمود: «معلق نمودن حکم به یکی از ادوات شرط به گونه‌ای که از عدم آن، عدم حادث گردد». در مفهوم شرط می‌بایست ادوات شرط موجود باشد از قبیل: چنانچه، اگر و... همان گونه که گفته شد در آیات متعددی از قرآن مجید مفهوم شرط مشاهده می‌شود: خداوند تبارک و تعالی در آیه ششم سوره مبارکه طلاق می‌فرماید: «اگر (زن) مطلقه) حامله باشند؛ تا وقت وضع حمل نفقه دهید».^۲ مفهوم مخالف آن بدین صورت است که زوجه (زوجه‌ای که حامله نیست) در طلاق بائن حق دریافت نفقه را ندارد.

لازم به ذکر است که شرط، امکان دارد معنای متعددی داشته باشد: گاهی اوقات از عدم آن، عدم حاصل می‌شود؛ بدون آن که از وجود آن، وجود مشروط حاصل گردد. به‌طور مثال «قدرت در تسلیم مورد معامله»، شرط صحت بیع است. در این حالت، از عدم آن، عدم حادث می‌گردد، یعنی چنانچه یکی از

۱- «وَأْتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نَخْلَةً فَإِنْ طَلَبْنَ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا».

۲- «وَ إِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٌ فَانْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ».

متعاملین، قدرت بر پرداخت مورد معامله را نداشته باشد؛ عقد باطل خواهد بود. همچنین صرف قدرت تسلیم مورد معامله، برای صحت بیع کافی نیست، بلکه شروط دیگری نیز لازم است. شرط در معنای اصولی متفاوت با این معنا است. در اصول فقه آنچه مورد ملاک قرار می‌گیرد؛ شرط به این معنا است که از عدم آن، عدم حاصل گردد. چنانچه شرط افاده آگاهی یا تنبه را کند؛ از مفهوم اصولی خارج خواهد بود. به‌طور مثال خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱۷۲ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می‌کنید!»^۱ همچنین در آیه ۲۷۸ سوره مبارکه بقره آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و زیادی ربا را رها کنید اگر به راستی اهل ایمانید».^۲ آیات مزبور، از شرط موضوع اصول فقه خارج هستند.

برای تبیین جایگاه مفهوم شرط، به ذکر مثال حقوقی می‌پردازیم:

در ماده ۹۰ ق.م.ا.ردن آمده است: «پس از تحقق ایجاب و قبول، با رعایت شرایط مورد نظر قانون‌گذار طی اوضاع و احوال خاص عقد محقق خواهد شد». بر طبق شق نخست ماده ۱۹۱ همان قانون، ایجاب می‌بایست منطبق با قبول باشد. بر طبق بند دوم آن، چنانچه ایجاب مقید به شرایطی باشد یا شرطی را بر آن بیفزاید؛ رد محسوب می‌شود. منطوق مواد مذکور، دلالت بر این امر دارد که عقد ارتباطی میان ایجاب و قبول است. در این خصوص می‌بایست ایجاب منطبق و بر اساس قبول باشد. به گونه‌ای که هر یک از آن‌ها می‌بایست با یکدیگر مطابقت داشته باشد. مفهوم مخالف آن بدین صورت است که چنانچه ایجاب مرتبط و منطبق با قبول نباشد؛ معتبر نخواهد بود، چرا که عقد همکاری متقابل بین دو یا چند اراده برای ایجاد ماهیت حقوقی است و در این مورد توافق قصدها یا تلاقی اراده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است همچنین لازم است که ایجاب و قبول از جانب دو شخص متفاوت صادر شده باشد. چنانچه شخصی واحد مبادرت به

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ».

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

صدور ایجاب و قبول کند؛ عقد منعقد نمی‌گردد. چنین امری هر چند صراحتاً توسط قانون‌گذار بیان نشده است، اما مفهوم مخالف دلالت بر آن دارد و تفسیری صحیح و معتبر است.

۲- مفهوم وصف

مفهوم وصف، بدین صورت است که قید مذکور در کلام متضمن صفتی باشد (مثلاً «در گوسفندهای صائمه زکات وجود دارد»). و با انتفاء آن، حکم منتفی شود (مفهوم مخالف آن می‌شود: «در گوسفندهای معلوفه زکات وجود ندارد»). برخی معتقدند مراد از وصف مذکور متکلم، صرفاً صفت اصطلاحی نیست بلکه اعم از آن است. بر این اساس، مواردی همچون اسم زمان، اسم مکان، صفت مشابه، اسم مفعول، اسم فاعل و سایر موارد را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، مراد از مفهوم وصف و صفت در مفهوم وصف، مطلق صفت و وصف است؛ به گونه‌ای که مواردی همچون صفات زمان، مکان، علت، حالت و... را شامل می‌شود. البته، مطلق صفت مراد است و شامل مواردی همچون غایت، شرط نمی‌شود.^۱ پذیرش تحلیل مذکور، موجب می‌شود که برخی از مفاهیم مخالف از مصادیق مفهوم وصف شود و برای آن‌ها استقلالی قائل نباشیم. چنین امری منجر به این می‌شود که مفاهیم مزبور از حیث حجیت یا عدم حجیت تابع مفهوم وصف باشند. به گونه‌ای که در تحلیل شرایط حجیت آن‌ها، به مفهوم وصف مراجعه نمود و با توجه به شرایط حجیت مفهوم وصف، آن‌ها را بررسی نمود. لازم به ذکر است ذکر واژه وصف و قید در مفهوم وصف ممکن است از شیوع و رواج آن بکاهد. به گونه‌ای که قید مذکور در کلام، کلام را منحصر به موارد خاصی (موارد مذکور با صفت) کند.

مفهوم قید در زبان عربی انواع مختلف و متعددی دارد. این امر، بستگی به نقش قید از لحاظ دستوری در جمله دارد. از انواع آن می‌توان به قید ظرف، قید

۱- حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۳۲هـ.ق)، زبده الاصول، انتشارات ستاره، ج ۳، چ چهارم، قم، ص ۱۷۵.

جار و مجرور، قید تمیز، قید حال، قید نعت و... اشاره نمود.

صفت در مفهوم وصف، صفتی است که حادث می‌شود و از بین می‌رود: همانند این که گفته شود که زن غیر باکره نسبت به ولیش در تصمیم‌گیری اولویت دارد؛ در چنین حالتی، مفهوم مخالفش بدین صورت است: «زن باکره چنین رجحانی ندارد».

مراد از مفهوم وصف، هر صفت یا وصفی است که مخصص حکم باشد؛ به گونه‌ای که چنانچه آن صفت محقق نشود؛ حکم محقق نخواهد شد. به‌طور مثال خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱۹ سوره مبارکه معراج می‌فرماید: «ما انسان را «هلوع (ناشکیبا)» آفریدیم»^۱. معنای واژه در آیه مذکور مشخص نیست و در آیات ۲۱ و ۲۲ سوره مذکور معنای آن مشخص می‌شود. کلمه فوق الذکر (هلوع) را نمی‌توان وصف قلمداد کرد چرا که این بدان معنا نیست که حیوان ناشکیبا نیست و عجزول بودن مختص انسان است.

مراد از اوصاف در مفهوم وصف؛ اوصافی است که موجب محدودتر شدن دامنه موصوف می‌گردد، همانند این که گفته شود «نویسندگانی که سریع می‌نویسند را اکرام کن و ... اوصافی که معتمد بر موصوف نیستند، از بحث مفهوم وصف خارج هستند همچنین موصوف می‌تواند خاص باشد همانند این که گفته شود: «انسان‌های عالم را اکرام کن» مضافاً احتمال دارد که موضوع خاص‌تر باشد مثلاً گفته شود: «مردان عالم را اکرام کن». حکم هم می‌تواند ایجابی یا سلبی باشد مثلاً گفته شود: «انسان‌های عادل را اکرام کن» یا گفته شود: «اکرام غیر عادل حرام است»^۲.

آنچه از کلام شارع حکیم به ذهن متبادر می‌شود این است که وی هیچ‌گاه کلام لغو و بیهوده‌ای را بیان نمی‌کند. بی‌گمان، قیود مندرج در کلامش دارای

۱- إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا؛ ترجمه: انسان مخلوقی طبعاً سخت‌حریص و بی‌صبر است.

۲- إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا؛ ترجمه: چون شر و زبانی به او رسد سخت‌جزع و بی‌قراری کند. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا؛ ترجمه: و چون مال و دولتی به او رو کند منع (احسان) نماید.

۳- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۸هـ.ق)، غایة المأمول من علم الاصول، ج ۱، مجمع الفکر الاسلامی، قم، صص ۶۰۷ و ۶۰۶.

دلایلی است. به گونه‌ای که با انتفاء صفت، حکم نیز منتفی شود. وانگهی باید پذیرفت میان «وصف مندرج در کلام» و «حکم» رابطه علیت وجود دارد، به گونه‌ای که با انتفاء حکم، وصف نیز بی اعتبار می‌شود. از طرفی با احترازی بودن قید، وصف، حجت خواهد بود. چرا که با انتفاء آن، حکم منتفی می‌شود.^۱ حمل مقید بر مطلق مورد قبول فقها و صاحب نظران است. بی گمان، جمله وصفیه دارای حجت است چرا که قید مذکور در کلام بر مطلق آن حمل می‌گردد. به گونه‌ای که مقید به مطلق گره می‌خورد و با آن تحلیل و تفسیر می‌شود. به صرف وجود مطلق کلام، هدف متکلم محقق نمی‌شود، بلکه قید مذکور در کلام نیز باید موجود باشد تا غرض حاصل شود.^۲

۳- مفهوم غایت

از جمله اقسام مفهوم مخالف، مفهوم غایت است. غایت به معنای پایان، انتها و نهایت است و به واسطه حروفی همچون «مادامی که»، «تا زمانی که» مشخص می‌شوند. مفهوم غایت عبارت است از: «مقید نمودن حکم به غایتی به گونه‌ای که از ثبوت آن، ثبوت حکم و از نفی آن، نفی حکم حادث شود».

برای شناسایی مفهوم غایت به ذکر مثال‌های می‌پردازیم:

مثال اول: خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۳۰ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «پس اگر باز زن را طلاق داد؛ دیگر بر او حلال نیست، مگر آنکه به نکاح مردی دیگر درآید؛ و هرگاه آن مرد آن را طلاق دهد، اگر می‌دانند که حدود خدا را رعایت می‌کنند؛ رجوعشان گناهی نیست. این‌ها حدود خدا است که برای مردمی دانا بیان می‌کند».^۳ مفهوم مخالف این آیه دلالت بر این دارد: «زوجه می‌تواند پس از ازدواج دوم خویش و وقوع طلاق بار دیگر با همسر اول خویش ازدواج کند».

۱- خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۰هـ.ق) مصباح الاصول، ج ۲، چ ششم، منشورات الداوری، قم، ص ۳۰۶.

۲- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۳هـ.ق)، کفایه الاصول مع حواشی مشکینی، انتشارات لقمان، قم، ص ۲۳.

۳- «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ».

مثال دوم: در آیه ۱۸۷ شریفهٔ سورهٔ مبارکهٔ بقره می‌خوانیم: «از آب و غذا در شب همچنان استفاده کنید تا سفیدی شفق از سیاهی شب برایتان مشخص شود و آنگاه روزه بدارید و روزه را تا شب به کمال برسانید».^۱ بر طبق این آیه، خوردن و آشامیدن در ماه رمضان تا صبحگاهان مباح است. مفهوم مخالف آن، این است که پس از طلوع خورشید، خوردن و آشامیدن حرام خواهد بود. به دلالت الفاظ می‌توان چنین استنباط نمود که غایت و نهایت حکم قبل از آن است نه پس از آن.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنیم در مفهوم غایت، شارع غایتی را تعیین می‌کند؛ همانند آیهٔ ۲۳۰ سورهٔ مبارکهٔ بقره که می‌فرماید: «بر وی حلال نمی‌شود مگر این که زوجه یا دیگری از دواج کند». غایت و نهایت در آیهٔ مذکور تا از دواج با دیگری است.

۴- مفهوم حصر

از جملهٔ مفاهیم مخالف، مفهوم حصر است. در مفهوم مزبور، می‌بایست به امکان وجود موضوع توجه داشت. همانند آیهٔ پنجم سورهٔ مبارکهٔ فاتحه. در آن آیه مقرر شده است: «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم».^۲ برخی موارد نظیر جملهٔ «لا اله الا الله» از موضوع (مفهوم حصر) خارج هستند چرا که خداوند تبارک و تعالی ممکن الوجود نیست، بلکه واجب الوجود است. از طرفی لفظ «الله» نیز به معنای واجب الوجود است و امکان خاصی برای آن غیر ممکن است. پس مراد از امکان، امکان به معنای عام خویش است. چیزی که امکان آن وجود دارد که حادث شود یا خیر.^۳ یا همانند این که گفته شود: «زید عالم است و دوست من عمرو است». مفهوم مخالف آن چنین است که هر چیزی غیر از موارد مذکور در جمله خلاف است (صحیح نیست). همانند این که گفته شود، هیچ عالمی در شهر غیر از زید نیست. مفهوم مخالف آن، اثبات «عالم بودن زید و نفی دیگران» است.

۱- «كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الابيض من الخيط الاسود من الفجر».

۲- «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

۳- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۸ هـ.ق)، غایة المأمول من علم الاصول، ج ۱، مجمع الفكر الاسلامی، قم، ص ۶۱۵.

۵- مفهوم عدد

مفهوم عدد، دلالت الفاظ به حکمی شرعی است، به گونه‌ای که با ثبوت عدد آن حکم موجود باشد و با عدم آن، حکم منتفی گردد. این مفهوم را می‌توان در مواردی که شارع اقدام به ذکر عدد نموده (همانند مجازات‌ها، کفارات، سهم الارث وارث) مشاهده نمود. در موارد مذکور، عدد موضوعیت دارد؛ به گونه‌ای که احتمال زیاده و نقیضه آن وجود ندارد.

برای تبیین این امر به ذکر مثال‌هایی می‌پردازیم:

مثال اول: آیه ۸۰ سوره مبارکه توبه آمده است: «چه برای آنان آموزش بخواهی یا برایشان آموزش نخواهی [یکسان است حتی] اگر هفتاد بار برایشان آموزش طلب کنی؛ هرگز خدا آنان را نخواهد آمرزید چرا که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند». مفهوم مخالف این آیه بدین صورت است که احکام میزان «بیشتر از هفتاد مرتبه» با میزان «کم‌تر از هفتاد» متفاوت است.

مثال دوم: همانند این که گفته شود که قرابت رضائی و حرمت با یک یا «دو بار مکیدن» ایجاد نمی‌شود. مفهوم مخالف آن بدین صورت است که با «بیش از دو بار» ایجاد می‌شود.

مفهوم عدد، معلق نمودن حکم به میزان مشخصی است به گونه‌ای که با ثبوت آن، حکم ثابت می‌گردد و با عدم آن، حکم معدوم می‌گردد. بر طبق آیه دوم سوره مبارکه نور^۱، بر زانی و زانیه «هشتاد ضربه تازیانه» زده می‌شود. مفهوم مخالف آن بدین گونه است که به میزان «بیش از هشتاد ضربه تازیانه» نباید زده شود. دلالت مفهوم عدد بر نفی زیادت است، چرا که عدم کاهش عدد موجود در منطوق بر اساس دلایل است.

۱- الرّٰنِیَّةُ وَالرّٰزِیُّ فَاجْلِدُوا کُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْکُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِی دِیْنِ اللّٰهِ اِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ لَیْسَ هُنَّ عَذَابُهُمَا طَٰئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِیْنَ. ترجمه: «باید هر یک از زنان و مردان زنا کار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند».

۶- مفهوم لقب

از جمله مفاهیم مخالف، مفهوم لقب است. مفهوم مزبور، عبارت است از دلالت مفهوم جنس یا اسم عَلَم هنگامی که حکم نفی می‌گردد. همانند این که در حدیث شریف ذکر شده است: «طلا برای طلا، نقره برای نقره، گندم برای گندم، جو برای جو و...»^۱ یا همانند ذکر اصناف شش‌گانه در حرام بودن ربا. مفهوم لقب، بدین صورت است که غیر از موارد شش‌گانه مذکور، ربا تحقق نمی‌یابد و مواردی غیر آن‌ها ربا می‌شود. در خصوص حجیت یا عدم حجیت آن، اختلاف نظر وجود دارد. در فقه عامه صرفاً تعداد اندکی از حنبلی‌ها قائل به حجیت آن شده‌اند.^۲

نقش مفهوم لقب را نمی‌توان در اثبات یا عدم اثبات برخی از احکام شرعی نادیده پنداشت. به‌طور مثال چنانچه در روایت گفته شود: مستحب است میان نماز ظهر و نماز عصر جمع بسته نشود به گونه‌ای که دو نماز در یک زمان واحد اقامه نشود، چرا که جمع بستن میان آنها در مواردی که عذر شرعی وجود ندارد؛ کراهت دارد. چنین تحلیلی را نمی‌توان صحیح تلقی نمود چرا که ظهر و عصر از مصادیق مفهوم لقب هستند که در جواز شرعی تمسک به آن‌ها در مقام حجیت محل تأمل وجود دارد. مخصوصاً این که پاره‌ای از روایات بر جواز اقامه نمازهای عصر و ظهر در زمان واحد و جمع میان آن‌ها دلالت دارد.^۳

۷- مفهوم حال

از جمله مفاهیم مخالف غیر رایج (مفاهیمی غیر از موارد شش‌گانه)؛ مفهوم حال است. چنانچه قید مندرج در کلام متکلم، همراه با حالت و وضعیت باشد، مفهوم

۱- سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۳۰هـ.ق)، سنن ابی داود، دارالرساله العالمیه، ج ۵، دمشق، ص ۲۳۵. حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، وَعُمَرُو النَّاقِدُ، وَ إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ اللَّفْظُ لِابْنِ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ إِسْحَاقُ: أَخْبَرَنَا، وَ قَالَ الْأَخْرَانِ، حَدَّثَنَا وَكِيعٌ، حَدَّثَنَا شُعْبَانُ، عَنْ خَالِدِ الْحَدَّاءِ، عَنْ أَبِي قَلَابَةَ، عَنْ أَبِي الْأَشْعَثِ، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ، وَ الْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ، وَ الْبُرُّ بِالْبُرِّ، وَ الشَّعِيرُ بِالشَّعِيرِ، وَ التَّمْرُ بِالتَّمْرِ، وَ الْمِلْحُ بِالْمِلْحِ مِثْلًا بِمِثْلٍ سِوَاءٍ سِوَاءٍ يَدَا يَدَا، فَإِذَا اخْتَلَفَتْ هَذِهِ الْأَصْنَافُ، فَبِيعُوا كَيْفَ شِئْتُمْ إِذَا كَانَ يَدَا يَدَا».

۲- الجویینی، عبدالملک بن عبدالله (۱۳۹۹هـ.ق)، البرهان فی اصول الفقه، الدوحه (قطر)، ج اول، ص ۴۷۰.

۳- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۲۶هـ.ق)، تطبیقات الاصول، مرکز الافاق للدراسات، ج اول، بیروت، ص ۶۴.

حال خواهد بود. در این حالت، با انتفاء قید، حکم منتفی و با ثبوت آن حکم ثابت خواهد بود. همانند این که در آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره فرموده است: «در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید»^۱. مفهوم مخالف آن به امکان مباشرت به آن‌ها در زمان خروج از آن حال یا وضعیت است.

۸- مفهوم مکان

از جمله مفاهیم به کار رفته در مفهوم مخالف؛ مفهوم مکان است. بر طبق این مفهوم، کلام متکلم متضمن محل یا مکانی است که قید جمله می‌باشد. در آیات متعدد قرآن کریم به محل خاصی اشاره شد است. مانند آیه ۱۹۸ سوره مبارکه بقره که می‌فرماید: «خداوند را نزد مشعر الحرام یاد کنید». مفهوم مخالف آن عدم ذکر خداوند در غیر مکان‌های حج است همچنین در آیه ۱۸۷ سوره مبارکه بقره آمده است: «در حالی که در مسجد اعتکاف می‌کنید با زنان آمیزش نکنید^۲». در فقه عامه پیرامون حجّت داشتن یا نداشتن آن اختلاف نظر وجود دارد.

۹- اسم مشتق

اسم مشتقی که دلالت بر جنس می‌کند: همانند این که گفته شود «خوراکی را در مقابل خوراکی نفروشید مگر جنس با جنس». مفهوم مخالف آن صحیح و معتبر بودن فروش خوراکی در مقابل خوراکی با لحاظ برتری و تفاضل (جنس با جنس نبودن) است.

۱- ﴿وَلَا تُبَايِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾.

۲- «أحل لكم ليلة الصيام الرث إلى نسائكم هن لباس لكم و انتم لباس لهن علم الله انكم كنتم تختانون انفسكم فتاب عليكم و عفى عنكم فلان با شروه و ابتغوا ما كتب الله لكم و كلوا و اشربوا حتى يتبين لكم الخيط الابيض من الخيط الاسود من الفجر ثم اتموا الصيام الى الليل و لا تبشروهون و انتم عاكفون في المسجد تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس لعلهم يتقون». ترجمه: در شبهای روزه همخوابگی با زنان با شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید خدا می‌دانست که شما با خودتان ناراستی می‌کردید پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت پس اکنون [در شبهای ماه رمضان می‌توانید] با آنان همخوابگی کنید و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید و در حالی که در مساجد معتکف هستید [با زنان] درنمایید این است حدود احکام الهی پس [زنها] به قصد گناه [بدان نزدیک نشوید این گونه خداوند آیات خود را برای مردم بیان می‌کند باشد که پروا پیشه کنند.

۱۰- مفهوم زمان

مفهوم زمان به معنای انتفاء حکم با فرض انتفاء زمان است. در این مفهوم، کلام متکلم باید مقید به ذکر قید باشد. برای تبیین این امر، به ذکر مثالی می‌پردازیم: در آیه ۱۹۷ سوره مبارکه بقره مقرر شده است: «حج، در ماه‌های معینی است! و کسانی که (با بستن احرام، و شروع به مناسک حج)، حج را بر خود فرض کرده‌اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان، گناه و جدال نیست! و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، خدا آن را می‌داند. زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من بپرهیزید؛ ای خردمندان!»^۱ خداوند صحت حج را به ماه‌های (ذیحجه، شوال، ذوالقعدة) مرتبط نموده است. معنای آن بدین صورت است که «حج خارج از ماه‌های مذکور» قابل قبول نیست، همچنین در آیه نهم سوره مبارکه جمعه آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است؛ اگر می‌دانستید!»^۲

۱۱- مفهوم مفعول له

مفهوم مفعول له، انتفاء حکم با نفی مفعول له است. همانند آیه ۲۶۵ سوره مبارکه بقره که مقرر نموده است: «اشخاصی که برای رضایت خداوند، اقدام به انفاق می‌نمایند؛ اجرت دریافت خواهند نمود».^۳ مفهوم مخالف آن بدین صورت است که اگر «رضایت خدا» نباشد، اجرتی دریافت نمی‌کنند.

۱- الْحَجَّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَرَوُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۷).

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

۳- وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيْتًا مِنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. ترجمه: مثل (انفاقات) کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوارسازی روحشان (در ایمان و عمل) انفاق می‌کنند، مثل باغی است در جایی مرتفع که باران تندى بدان رسیده پس میوه خود را دو چندان داده باشد، پس اگر باران تندى نرسیده باران نرمی رسیده (و بی‌گیاة نمانده است) و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، بیناست.

۱۲- مفهوم متعلق فعل

نفی حکم در مواردی که مفهوم متعلق فعل نفی شود مصداق دارد. همانند این که گفته شود: «نکاح دختر بدون اذن پدرش باطل است». مفهوم مخالف آن بدین صورت است که اگر متعلق فعل (عدم اذن ولی) منتفی شود؛ نکاح صحیح و معتبر خواهد بود.

۱۳- مفهوم اضافه

نفی حکم بر آنچه مورد شمول مضاف الیه قرار نگرفته است؛ مفهوم اضافه است. مفهوم آیه ۹۵ سوره مبارکه مائده^۱ چنین خواهد بود: «چنانچه حکم از جانب اشخاصی که عدالت ندارند؛ صادر شود، حجت نخواهد بود».

۱۴- مفهوم تقسیم

چنانچه قید مذکور در کلام به گونه‌ای باشد که مشتمل بر انواع و اقسامی باشد بدین صورت که با نفی یک قسم، قسمت دیگر اثبات می‌شود و با اثبات یک قسم، قسم دیگر نفی شود. مفهوم تقسیم تحقق خواهد نمود. به طور مثال چنانچه گفته شود: «زنی که شوهر داشته و در حال حاضر بی همسر است. در خصوص امور خود برای انتخاب زوج بر ولیش مرجح است و دوشیزه پدرش درباره کارش از او اجازه می‌گیرد و اجازه دختر به منزله سکوت اوست»^۲.

بند چهارم: تمییز مفهوم مخالف

بی‌گمان، تمییز مفهوم مخالف از موارد مشابه، نقش مهمی در شناسایی جایگاه آن دارد. در این قسمت به تفکیک مفهوم مخالف از موارد مشابه می‌پردازیم و

۱- در آیه مذکور می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ غَنَّا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ». ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه که در احرام باشید شکار را نکشید. هر که صید را به عمد بکشد جزای او قربانی کردن حیوانی است همانند آنچه کشته است به شرط آنکه دو عادل از شما گواهی دهند و قربانی را به کعبه رساند، یا به کفاره درویشان را طعام دهد، یا برابر آن روزه بگیرد، تا عقوبت کار خود بچشد. از آنچه در گذشته کرده‌اید خدا عفو کرده است، ولی هر که بدان باز گردد خدا از او انتقام می‌گیرد، که خدا پیروزمند و انتقام‌گیرنده است.

۲- الْقَيْبُ أَحَقُّ بِنَفْسِهَا مِنْ وَلِيِّهَا، وَالْبِكْرُ تُسْتَأْمَرُ وَإِذْنُهَا سُكُوتُهَا.

در پرتو موارد موجود، نخست به تمییز اقسام مفهوم مخالف از یکدیگر پرداخته می‌شود و سپس امکان تفکیک مفهوم مخالف از عناوین مشابه را بررسی می‌کنیم.

۱- تمایز اقسام مفهوم مخالف از یکدیگر

برخی مصادیق مفهوم مخالف شباهت فراوانی با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که ممکن است مفسر چنین تلقی کند که بر آن‌ها احکام یکسانی حمل می‌شود. در حالی که - علی‌رغم شباهت‌ها - واجد تفاوت‌هایی می‌باشند. در این قسمت به تفکیک و تمییز مفهوم غایت از شرط و مفهوم وصف از لقب و علت از وصف می‌پردازیم.

الف - تفکیک مفهوم غایت و مفهوم شرط:

شکی نیست که در مفاهیم غایت و شرط، انجام امری مورد نظر و خواست شارع یا متکلم است. تفاوت میان شرط و غایت در این است که غایت پیش‌فرا رسیدن آن محقق خواهد شد اما در مفهوم شرط، حکم شرط معلق بر وجود آن است.

ب- تفکیک مفهوم وصف و مفهوم لقب:

تفاوت مفاهیم مزبور در این است که در وصف، علاوه بر وصف، موصوف هم ذکر می‌شود همانند «مرد زیبا» اما در مفهوم لقب، صرفاً صفت ذکر می‌شود همانند «عالم».^۱

ج- تمایز مفهوم علت از مفهوم وصف:

مفهوم وصف عام‌تر از مفهوم علت است. در واقع، صفت اعم از علت است. صفت مذکور در کلام متکلم می‌تواند علت باشد و یا علت نباشد همانند این که گفته شود: «مشروبات سکر آور، حرام است». مفهوم مخالف آن «حلال بودن مشروبات غیر سکر آور است». برخی از اصولیین عامه مفهوم علت را از مصادیق مفهوم صفت می‌دانند.^۲

۱- باقری راد، ابوالفضل (۱۳۹۷هـ.ش)، اصول فقه به بیان نمودار، انتشارات نیک اندیشان، چ سوم، تهران، ص ۱۸۷.

۲- حامد عثمان، محمود (۱۴۲۳هـ.ق)، القاموس المبین فی الاصطلاحات الاصولیین، دار الزاجم للنشر و التوزیع، الرياض، ص ۲۸۰.

۲- تمییز مفهوم مخالف از عناوین مشابه

مفهوم مخالف با برخی اصطلاحات فقهی واجد شباهت است. به گونه‌ای که تمییز و تفکیک آن‌ها از یکدیگر، در شناسایی مفهوم مخالف امری ضروری است. این قسمت، را به این امر اختصاص دادیم و به تفکیک آن از منطوق و مفهوم موافق می‌پردازیم.

۲-۱- تمییز مفهوم مخالف از منطوق

منطوق بر وزن مفعول است. دلالت لفظ بر معنا بدون توجه و صرف نظر از معنای استنباط شده است. به عبارت دیگر، معنایی است که مستقیماً از جمله استنباط می‌شود و یا هر آنچه که از نطق در مقام تفسیر استخراج می‌گردد. در فقه شیعه، میان معنای لغوی منطوق و مفهوم، از معنای اصطلاحی آن‌ها تفاوتی نیست. منطوق، آن چیزی است که نطق و بیان بر آن واقع شده است و لفظ به وسیله گفتار دلالت بر آن می‌کند، اما مفهوم آن چیزی است که لفظ با واسطه بر آن دلالت می‌کند. به‌طور معمول مفهوم همراه با قید است.^۱

منطوق بر دو قسم منطوق صریح و غیر صریح تقسیم می‌شود:

منطوق صریح، مدلول التزامی یا تضمینی کلام است.

منطوق غیرصریح از لوازم کلام و بر سه قسم است: دلالت اقتضاء، دلالت تنبیه یا ایما و دلالت اشاره.

در خصوص تمییز مفهوم مخالف از منطوق، می‌توان گفت حکم مفهوم نفیاً و اثباتاً بر خلاف حکم منطوق است. چنانچه مفهوم مخالف واجد شرایطی باشد همانند منطوق دارای حجت است. لیکن مفسران به‌طور معمول سخت‌گیری بیشتری در خصوص احرار اعتبار مفهوم مخالف در مقایسه با منطوق می‌کنند. چرا که منطوق مستقیماً از ظاهر کلام استنباط می‌شود ولی مفهوم به صورت غیرمستقیم و از باطن آن استخراج می‌گردد.

یکی از فقهای عامه معتقد است که تفاوتی جوهری و مبنایی در خصوص

۱- الايروانی النجفی، علی عبدالحسین (۱۴۲۲هـ.ق)، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، ج ۱، قم، ص ۱۴۹.